

دیپلماسی ایدئولوژیک، تعامل یا تقابل با منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، با تأکید بر اندیشه مقام معظم رهبری

رشید رکابیان^۱
سیروس خندان^۲

چکیده

اخیراً مقام معظم رهبری در جمع اخیر وزیر امور خارجه و سفرای ایران در خارج کشور کلیدواژه «دیپلماسی ایدئولوژیک» مطرح کردند، گرچه دیپلماسی ایدئولوژیک سابقه‌ای طولانی دارد و کشورها از این دیپلماسی استفاده می‌کنند اما دیپلماسی ایدئولوژیک که مقام معظم رهبری مطرح کردند تلفیقی از سیاست آمیخته با آموزه‌های وحیانی است که برای نیل به اهداف نظام در همه ابعاد آن طراحی شده است. خاستگاه این بیان معظم له که «برخی به غلط، سخن از لزوم جدایی دیپلماسی از ایدئولوژی به میان می‌آوردند، در حالی که دیپلماسی ایدئولوژیک هیچ اشکالی ندارد و القاء تقابل میان ایدئولوژی و منافع ملی، صحیح و منطقی نیست؛ هدف از تشکیل جمهوری اسلامی حفظ منافع ملی، استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی، قدرت و امنیت ملی است و ایدئولوژی به دنبال تأمین و حفظ منافع ملی است و هویت ملت محسوب است»، از نص صریح قرآن کریم استنتاج شده و به آیه نفی سبیل «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء - ۱۴۱) مبنی بر نفی هرگونه سلطه کافران بر مسلمانان مستظهر است. در واقع این دیپلماسی براساس یک عقلانیتی هم مطرح شده است. لذا این تحقیق به این سؤال جواب می‌دهد که آیا بین دیپلماسی ایدئولوژیک و منافع ملی تعامل یا تقابل وجود دارد؟ که نگارنده معتقد است براساس اهداف و اصول سیاست خارجی و براساس چهار نوع عقلانیت ابزاری، اخلاقی، ارتباطی و انتقادی دیپلماسی ایدئولوژی منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را تضمین می‌کند و در جهت ارتقا آن می‌باشد.

واژگان کلیدی

دیپلماسی، دیپلماسی ایدئولوژیک، عقلانیت، مقام معظم رهبری، منافع ملی

۱- استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه آیت الله بروجردی (ره)، بروجرد، ایران (نویسنده مسئول)
ra.recabian@gmail.com

۲- مربی، عضو هیئت علمی دانشگاه آیت الله بروجردی (ره)، بروجرد، ایران.
تاریخ ارسال: ۱۳۹۷/۵/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۳

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران از بدو پیدایش خود در سال ۵۷ دیپلماسی خود را برمدار عزت، قدرت و انقلابی بودن تنظیم کرده است و کوشیده است در پناه این تفکر انقلابی خود، حقوق به یغما رفته ملت را از چنگال استکبار جهانی و متحدانش استیفا کند. بر همین اساس فصل یازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یعنی اصول یکصد و پنجاه دوم تا یکصد و پنجاه پنجم از این قانون وظایف مسئولین سیاست خارجی کشور را به روشنی ترسیم نموده است. اصل یکصد و پنجاه و دوم:

«سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه‌جوئی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح-آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است.»

و اصل یکصد و پنجاه و سوم آمده است:

«هر گونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگی، ارتش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است.»

لذا در طول نزدیک به ۴۰ سال اخیر، جمهوری اسلامی ایران کوشیده است تا این آرمان‌ها و اهداف بزرگ انسانی را به گوش مردم جهان برساند. یکی از راه‌های مهم تبلیغ نقطه نظرات و دیدگاه‌های انقلاب اسلامی ایران در سطح جهان، نمایندگی‌های سیاسی و فرهنگی ایران هستند. آنجا که طبق قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران، از جمله سیاست خارجی، توسط رهبری تعیین می‌شود، رهنمودها و دیدگاه‌های ایشان برای دستگاه دیپلماسی کشور حائز اهمیت است. به همین منظور، معظم له چه در دیدار اخیرش بانمایندگی‌های ایران در خارج کشور و چه در دیدارهای سال‌های گذشته همیشه بر دیپلماسی فعال، انقلابی، عزتمند، پاینده ارزش‌های اسلامی و احساس اعتماد به نفس و مقتدر تاکید داشتند.

براین اساس علی‌رغم اینکه انقلاب اسلامی، فصل جدیدی را در روابط خارجی ایران گشود که در آن، انقلاب تقویت کننده منافع ملی ایران است و سیاست خارجی ایران نیز در چهارچوب موازین اسلام و انقلاب، اداره می‌شود. به همین دلیل، رهبر معظم انقلاب، در دیدار سفیران و مسئولان نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور فرمودند:

«هدف از تشکیل جمهوری اسلامی، حفظ منافع ملی، استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی، قدرت و

امنیت ملی است.». (بیانات در دیدار با سفیران و مسئولان نمایندگی‌های ایران در خارج ۳۰-۴-۹۷)

به همین دلیل، ایشان دیپلماسی ایران را «دیپلماسی ایدئولوژیک» خواندند. مقام معظم رهبری، ایدئولوژی را تأمین کننده و حافظ منافع ملی و همچنین هویت یک ملت دانستند و تأکید کردند: «برخی به غلط، سخن از لزوم جدایی دیپلماسی از ایدئولوژی به میان می‌آوردند، درحالی‌که القای تقابل میان ایدئولوژی و منافع ملی، صحیح و منطقی نیست.» ایشان ارتباط خردمندانه، هوشمندانه، هدفمند و منطقی با جهان را برخاسته از نگاه اسلامی نظام و کاملاً منطبق با دیپلماسی ایدئولوژیک خواند. حتی دولت‌های غربی که مدعی‌اند که ایدئولوژی دخالتی در دیپلماسی آن‌ها ندارد، در عمل سیاست خارجی را بر اساس معیارهای ایدئولوژیک خود به پیش می‌برند. براین اساس دیپلماسی ایدئولوژیک در سیاست خارجی هر کشوری دیده می‌شود. و دیپلماسی هم براساس یک عقلانیتی تعریف می‌شود و براساس آن عقلانیت منافع ملی حفظ می‌شود. لذا قدمت این نوع دیپلماسی به تاریخ شکل-گیری دولت‌ها برمی‌گردد و هر کشوری سیاست خارجی خود را براساس ارزش‌های جامعه‌اش که بدنبال منافع ملیشان می‌باشد تنظیم می‌کنند.

براین اساس توجه محققین روابط بین الملل به دیپلماسی ایدئولوژیک از دهه ۱۹۵۰م به دودلیل افزایش یافت. دلیل اول، توسعه گروهی از کشورهای قدرتمند بود با ایدئولوژی‌های کاملاً مخالف با آنچه که در کشورهای دنیای غرب از قرن ۱۹ وجود داشته است. (۷۲، ۱۹۶۲-CH) مثل ایدئولوژی کمونیستی که بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در شوروی به مرحله اجرا گذاشته شد. ایدئولوژی‌های فاشیستی و نازی در ایتالیا و آلمان که مورد قبول واقع شد. ضمناً توسعه و سرایت بعضی از این نظریات به کشورهای دیگر، به عنوان بهترین سیستم و نظام سیاسی و تاثیر قهری و روشن این ایدئولوژی‌ها در سیاست خارجی کشورهای مزبور، همه عواملی بودند که توجه دانشمندان را برای تحقیق و کاوش بیشتر درباره ایدئولوژی و اهمیت آن در تصمیم‌گیری و سیاست خارجی برانگیخت.

دلیل دوم توجه دانشمندان بین المللی به دیپلماسی ایدئولوژیک این بود که ایدئولوژی به علت اظهار علاقه و ازدیاد نفوذ و شرکت توده‌های مردم در سیاست خارجی و تصمیم‌گیری دارای اهمیت است. یا ایدئولوژی لیبرال دموکراسی به اعمالی در جهت پیشبرد رفاه تمام افراد صحنه می‌گذارد به این ترتیب دورنمای آن یک پارچه شدن دنیا از لحاظ اجتماعی و اقتصادی خواهد بود (۷۵، CH-۱۹۶۲). براین اساس دیپلماسی ایدئولوژیک مفهوم جدیدی نیست و بدنبال منافع ملی است حتی بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر این گونه نتیجه می‌گیرند که جهان تنها زمانی امن است که تمام کشورها ایدئولوژی لیبرال دموکراسی را بپذیرند و به سمت آن حرکت کنند (لینکلینتر، ۱۳۵۸: ۲۳۵) بنابراین در سطح جهانی

ایدئولوژی لیبرالیسم باتدوین مبانی فکری لازم و باحمایت کشورهای غربی به ویژه آمریکا به یکی از هنجارهای غالب بین المللی تبدیل شده است اما با استفاده از نظریه برخورد تمدن‌های هانتینگتون می‌توان گفت که دیپلماسی ایدئولوژی لیبرالیسم یکی از ایدئولوژی‌ها در سطح جهان است و سایر ایدئولوژی‌ها همچون اسلام بخصوص با محوریت جمهوری اسلامی ایران در سطح جهان وجود دارند که می‌توانند با دیپلماسی ایدئولوژی باعث عزت و اقتدار اسلام شود. برای اساس دیپلماسی ایدئولوژی انقلاب اسلامی چون منطبق با اصول سیاست خارجی در قانون اساسی است مبتنی بر سه اصل اساسی عزت، حکمت و مصلحت است. که منافع ملی در این سه اصل نهفته است. باتوجه به مطالب ارائه شده، این مقاله بدنبال پاسخ به این سؤالات است. ۱. مراد از دیپلماسی ایدئولوژی چیست؟ ویژگی‌های این دیپلماسی کدامند؟ اهداف و اهمیت دیپلماسی ایدئولوژیک چیست؟ آیا دیپلماسی ایدئولوژی با منافع ملی در تقابل است؟ رابطه دیپلماسی ایدئولوژیک و سیاست خارجی کدامند؟

۱. تعریف مفاهیم

۱-۱. دیپلماسی^۱

دیپلماسی مجموعه اعمال و تدابیری است که عمدتاً با استفاده از طرق مسالمت‌آمیز برای حداکثر تفاهم در میان انبوه اختلافات صحنه روابط بین الملل، حفظ منافع ملی و اجرای سیاست خارجی به کار گرفته می‌شود (همتی، فسخودی، ۱۳۹۳، ۳۴) و همچنین مفهوم دیپلماسی به عنوان مجموعه اعمال، تدابیر و روش‌های مسالمت‌آمیز برای مدیریت و حل اختلافات بین المللی، حفظ و تأمین منافع و اهداف ملی در حوزه سیاست خارجی می‌باشد. این مفهوم، دیپلماسی را به عنوان ابزار اجرای سیاست خارجی و نه مترادف آن شناخته و شیوه گردآوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز تمرکز بر فرآیند تصمیم‌گیری کلان کشور در حوزه جنگ و سیاست خارجی را تعیین می‌نماید. واژه دیپلماسی به معنای هدایت روابط بین افراد، گروه‌ها، ملت‌ها، از جمله واژه‌های مورد استفاده در عرصه مناسبات بین المللی است. و در عین حال دیپلماسی تعیین کننده چارچوب دکتترین و اصول کلی هدایت سیاست خارجی هر کشور است. دیپلماسی، هنر مرتبط ساختن عناصر قدرت ملی به مؤثرترین شکل، با آن گروه از ویژگی‌های شرایط بین المللی است که مستقیماً به منافع ملی مربوط می‌شوند (مورگنتا، ۱۳۷۹، ۲۴۶-۲۴۷) دیپلماسی در دانش سیاسی به سه مفهوم پایه‌ای به کار می‌رود:

۱ Diplomacy

دیپلماسی ایدئولوژیک، تعامل یا تقابل با منافع ملی جمهوری اسلامی ایران ... □ ۷۳

۱. گسترده‌ترین مفهوم دیپلماسی، روابط میان دولت‌هاست. ۲. دیپلماسی هم معنای مذاکره و گفت‌وگو است.

۲. دیپلماسی وسیله‌ای است که سیاست خارجی با استفاده از آن به جای جنگ، از راه توافق به هدف‌های خود می‌رسد

تعریف مورد نظر از دیپلماسی عبارت است از فن و هنر بهره‌گیری از کلیه امکانات در جهت تأمین منافع ملی در صحنه روابط بین‌الملل (ایزدی، ۱۳۷۷، ۳۹)

۲-۱. تعریف ایدئولوژی

مانه‌هایم ایدئولوژی را دربردارنده نظام‌های درهم تنیده‌ی اندیشه و شیوه‌های تجربی‌ای می‌داند که شرایط اجتماعی آن‌ها را مشخص کرده و گروه‌های جامعه از جمله افراد درگیر در تفسیر ایدئولوژی در آن سهیم هستند (مانه‌هایم، ۱۹۷۱، ۶۰). ایدئولوژی به مجموعه‌هایی از باورهای صریح یا نظام‌مند درباره سیاست اشاره و طیف گسترده‌ای از اندیشه‌ها و بنیادهای نظری و عملی را در بر دارد (هالیدی، ۲۰۰۵: ۱۹۶). در ایدئولوژی کنش‌های معطوف به باور و عقیده مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. ایدئولوژی‌ها چارچوبی طرح می‌کنند که دولتمردان بدان واقعیت‌ها را ببینند. بنابراین انتظار نمی‌رود که به طور مستقیم در امور جزئی وارد شده، برای همه مشکلات، راه حل ارائه دهند و در سطح کلان عمل می‌کنند. ایدئولوژی حداکثر تعیین می‌کند آیا یک ملت در سیاست خارجی از طریق دیپلماتیک وارد شود و یا از زور استفاده نماید و بیش از این وارد نمی‌شود و علاوه بر آن، کارکرد درجه سومی هم دارد و آن، توجیه گزینه‌ها و تصمیمات سیاسی است (پاین، ۱۹۹۵: ۴). در اندیشه اسلامی نیز ایدئولوژی جلوه‌های از دانش اداره زندگی است. ایدئولوژی

«یک تئوری کلی، یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم که هدف اصلی، کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در آن، خطوط اصلی و روش‌ها، بایدها و نبایدها، خوب‌ها و بدها، تها و تکلیف‌ها مشخص شده باشد هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسئولیت‌ها برای همه افراد بوده باشد.» (مطهری، ۱۳۷۷: ۵۴)

۳-۱. دیپلماسی ایدئولوژیک

دیپلماسی ایدئولوژیک جامع بین آرمان‌گرایی و واقع‌نگری است. مبانی ایدئولوژیک و اعتقادی ما که منطبق بر عقلانیت، حکمت، هوشمندی و باورهای غنی و ارزشی دینی است هم به عنوان زیربنا و هم به عنوان سرمایه و پشتوانه بی‌نظیر برای امر دیپلماسی به کار می‌آید.

در تعریف دیپلماسی ایدئولوژیک به معماری یک بزرگراه دوطرفه، با هدف ایجاد کانال‌هایی برای معرفی تصویر واقعی و ارزش‌های یک ملت و درعین حال تلاش برای دریافت درست تصاویر واقعی از سایر ملت‌ها و فهم ارزش‌های آن‌ها تعبیر شده است. (Malone, 1988: 12)

از این تعریف می‌توان دریافت که دیپلماسی ایدئولوژیک یک فرایند دوطرفه است و بر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی ملت‌های درگیر، استوار است. عاملی که سبب برتری دیپلماسی ایدئولوژیک بر دیپلماسی سیاسی می‌شود، این است که دیپلماسی سیاسی فرایندی دولت‌محور است. و دولت‌ها می‌بایست برای به کارگرفتن یک دیپلماسی درست برنامه‌ریزی‌های کلان و هزینه‌های زیاد صرف کنند. اما دیپلماسی ایدئولوژیک الزاماً فرایندی دولت‌محور نیست و بیشتر بین ملت‌ها صورت می‌پذیرد و از راه‌هایی همچون تشکل‌های غیردولتی، میراث فرهنگی، جشنواره‌های بین‌المللی فرهنگی و هنری، پیش می‌رود. (Cumings, 2003: 31)

در فرایند دیپلماسی در دیپلماسی ایدئولوژیک، دولت‌ها تنها نقش هدایت‌کننده و حامی را ایفا می‌کنند؛ اما در نهایت از برتری‌های این حوزه دیگر ابعاد دیپلماسی (دیپلماسی سیاسی، دیپلماسی دفاعی، دیپلماسی اقتصادی) ... منافع ملی، بهره می‌برند.

دیپلماسی ایدئولوژیک نمونه مهم به کارگیری قدرت نرم است و برخلاف دیپلماسی سیاسی، به کشورها این امکان را می‌دهد که در طرف مقابل نفوذ کنند و کشور هدف را از راه عناصری همچون فرهنگ و ارزش‌های دینی و ارزش‌های جامعه تحت تأثیر قرار دهند و به همکاری ترغیب کنند. سرانجام طرف مقابل نیز حرکتی را صورت دهد و چیزی را به زبان بیاورد که کشور مبدأ در کشور مقصد به. (Federal Register, 2004: 77827) دنبال آن بوده است دیپلماسی ایدئولوژیک، برخلاف دیپلماسی سیاسی که تنها از ارزش‌های میهنی و منافع ملی هر کشوری تأثیر می‌پذیرد، از ارزش‌های جهان شمولی نقش می‌گیرد که مورد قبول بیشتر ملت‌های دنیاست و مردم کشورهای مختلف را بهم نزدیک می‌کند. حال در این میان این هنر دولت‌هاست که بتوانند به میزان بالایی، منافع خود را در راستای ارزش‌های جهان شمول قرار دهند و منافع ملی خود را در میان مفاهیم جهانی، بازتعریف کنند.

«دیپلماسی ایدئولوژیک»، شاید تعبیر جدیدی در فرمایشات مقام معظم رهبری باشد اما ویژگی‌هایی که در این خصوص فرمودند روشن می‌کند که دیپلماسی ایدئولوژیک همان دیپلماسی انقلابی است. یعنی دیپلماسی‌ای برگرفته و منطبق با اصول سیاست خارجی در قانون اساسی و مبتنی بر سه اصل اساسی عزت، حکمت و مصلحت.

۲. چارچوب نظری

منافع ملی تصویری از خواست‌ها و آرمان‌ها در اشکال فیزیکی، مادی و غیرمادی است که در چارچوب اهداف و راهبردهایی مشخص ارائه می‌شود. به طور کلی دولت‌ها سعی می‌کنند با توجه به نیازهای ساختاری، شرایط ژئوپولیتیک، ژئوکالچر و ژئواکونومی سیاست‌هایی را در عرصه بین‌المللی دنبال کنند. قاعدتا باید میان سیاست‌گذاران و نخبگان کشور درباره چارچوب تشکیل دهنده منافع ملی اجماع باشد؛ چراکه در سایه این اجماع و توافق کلی است که می‌توان نقشه راه سیاست‌گذاران و گردانندگان یک حکومت را برای رسیدن به این منافع مشخص کرد.

دولت‌ها نیازهای امنیتی، اقتصادی، تکنولوژیک، تجاری و سیاسی دارند که برخی از این نیازها را از طریق منابع محیط داخلی و برخی دیگر را از محیط بین‌المللی کسب می‌کنند که این وضعیت چارچوب سیاست خارجی را تشکیل می‌دهد.

اما معیارهای شکل‌گیری منافع ملی چیست؟ عقلانیت ابزاری و عقلانیت هنجاری دو سر منافع ملی هستند که دولت‌ها بر این اساس منافع ملی خود را تعیین می‌کنند.

دولت‌ها با فهرست کردن هزینه‌ها و فایده‌ها تصمیم می‌گیرند رفتارشان چگونه باشد و چگونه در محیط‌های داخلی و خارجی سیاست‌گذاری کنند، تا منافع ملی آن‌ها را تحقق بخشند.

برخی اهداف حیاتی و اساسی مانند حفظ تمامیت ارضی میان تمامی کشورها مشترک است، اما هر کشوری بر اساس ویژگی‌های ساختاری خود منافع ملی را تعریف می‌کند و ابزارهای لازم را برای حفظ و حراست از آن به کار می‌گیرد.

براین اساس سیاست خارجی عرصه تدبیر و تصمیم و مستلزم تأمل و تعقل است. هر کنش و رفتار سیاست خارجی بر منطق و عقلانیتی استوار است که آن را معقول و مشروع می‌سازد. از این رو، دولت‌ها را بازیگران خردمندی می‌پندارند که در پی تعقیب و تأمین منافع و اهداف خود در تعامل با دیگران در صحنه بین‌المللی هستند. عرصه بین‌المللی، رقابت‌آمیز، مناقشه‌آمیز و در بسیاری از مواقع حتی خشونت‌آمیز است. هدایت سیاست خارجی در چنین محیطی، بی‌عقل و منطق نه ممکن است و نه موفقیت‌آمیز؛ پس عقلانیت، لازمه موفقیت در سیاست خارجی است. اما این پرسش اساسی پیش می‌آید که چه نوع عقلانیتی قرین موفقیت و چه منطقی ملازم مدیریت دیپلماسی است؟ رویکردها و رهیافت‌های مختلف در عین توافق درباره لزوم عقلانی بودن سیاست خارجی، درباره نوع آن اختلاف نظر دارند.

۲-۱. عقلانیت ابزاری

تفکر غالب در چهارچوب خردگرایی مبتنی بر نظریه انتخاب عقلانی، بر عقلانیت ابزاری و منطق نتیجه، تأکید و تمرکز می‌کند. بر پایه این رویکرد، کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران به نتیجه انتخاب خود می‌اندیشند و با تحلیل هزینه - فایده به تصمیم‌گیر در عرصه سیاست خارجی می‌پردازند. عقل ابزاری حکم می‌کند که بهترین و کم هزینه‌ترین ابزار برای تأمین پرمفعت‌ترین اهداف به کار گرفته شود. اگر انتخاب گزینه‌ی بهینه به معنای عقلانیت مطلق امکان‌پذیر نباشد، گزینش گزینه‌ی کم هزینه‌تر به مثابه عقلانیت محدود اجتناب‌ناپذیر است. ملاک عقلانیت، میزان موفقیت در کسب منافع و ایجاد نتایج مطلوب است؛ پس جمهوری اسلامی در عرصه سیاست خارجی باید در پی بیشینه‌سازی منافع و فرصت‌ها و کمیته‌سازی هزینه‌ها و تهدیدات باشد. هر چه نسبت بین منافع و هزینه‌ها بیشتر باشد، میزان مطلوبیت سیاست خارجی هم بیشتر است، چون عقلانیت به معنای بیشینه‌سازی منافع است. (قوام، ۱۳۷۲، ۵۲)

۲-۲. عقلانیت اخلاقی

عقلانیت اخلاقی با منطق تناسب ملازمت دارد و معطوف به تشخیص و تعیین تکلیف و اتخاذ تصمیم و اقدام متناسب با آن است. عقلانیت اخلاقی به معنای ادای بهینه تکلیف از طریق تصمیمات مقتضی و به کارگیری ابزارهای مناسب است. از این رو، جمهوری اسلامی بیش از آن که به نتایج پرمفعت عمل خود بیندیشد، به رفتار و اقدام مقتضی و متناسب با تکلیف و وظیفه خود به عنوان یک دولت اخلاقی اسلامی فکر می‌کند؛ چون هویت انقلابی - اسلامی ایران وظایف و تکالیفی را ایجاد می‌کند که جمهوری اسلامی باید در سیاست خارجی متناسب با آن عمل کند حتی اگر منافع مادی ملموسی در پی نداشته باشد. (سیف زاده، ۱۳۷۶، ۶۵)

گرچه عمل به تکلیف در قالب عقلانیت اخلاقی الزماً با عقلانیت ابزاری و منطق نتیجه، تنافی و تعارض ندارد و در بسیاری از مواقع این دو بر هم منطبق و سازگار هستند، با این حال در عرصه سیاست خارجی بعضی از مواقع بین رفتارها و کنش‌های مبتنی بر عقلانیت ابزاری و عقلانیت اخلاقی تراحم پیش می‌آید. (سیف زاده، ۱۳۷۶، ۶۷) در این شرایط، بر پایه عقلانیت اخلاقی عمل به تکلیف بر کنش معطوف به نتیجه، ارجحیت و اولویت می‌یابد. لذا عقلانیت اخلاقی آدمی را به عدالت و انصاف فرا می‌خواند و به او می‌گوید در تعقیب منافع شخصی خود، به دیگران ظلم ننماید و حقوق آنان را فدای خود نکند. خلاصه آنکه این عقلانیت برای تعقیب منافع شخصی، چهارچوب معین می‌کند که همان محدوده ارزش‌های اخلاقی است.

۲-۳. عقلانیت انتقادی

عقلانیت انتقادی به معنای تأمل و تفکر انتقادی جهت تغییر و تحول و رسیدن به رهایی است. این نوع عقلانیت از علاقه انسان به رهایی نشأت می‌گیرد که خود از تمایل او به تفکر و تأمل درباره مسلمات و مفروضات ذهنی ناشی می‌شود. این نوع علاقه، انسان را بر آن می‌دارد تا خود را از محدودیت‌ها، قید و بندها و فشارهای ناشی از عوامل انسانی و محیط اجتماعی رها سازد. لازمه رهایی هم به کارگیری عقل انتقادی یا عقلانیت استعلایی است؛ عقلانیتی که برای تعریف در طبیعت و حتی تفاهم نیست بلکه به منظور نقد و تعییر وضع و نظم موجود جهت رسیدن به نظم و شرایط مطلوب به کار می‌رود؛ وضعیتی که در آن انسان با تأمل و تفکر به خودآگاهی، خودفهمی، تعالی، سعادت و شرایط اخلاقی متعالی و رهایی دست می‌یابد. (آلیسون، ۱۳۶۴، ۷۶)

علائق رهایی، رابطه تنگاتنگی با مفهوم تأمل و تفکر دارند زیرا رهایی مستلزم تفکر انسان درباره چگونگی شکل‌گیری مغالطات و ابهاماتی است که در طول تاریخ بشری شکل گرفته‌اند و سپس غلبه بر آن‌ها از طریق تغییر رفتار و عمل است. بر اساس عقلانیت انتقادی، جمهوری اسلامی به نقد نظم بین‌المللی مستقر و نظام بین‌الملل موجود، جهت استقرار نظم و نظام بین‌الملل مطلوب می‌پردازد. تأمین این هدف مستلزم واسازی و شالوده‌شکنی نظم و نظام موجود به معنای مشروعیت‌زدایی از آن، از طریق غیر طبیعی کردن آن است؛ آشکار ساختن اینکه نظم بین‌المللی مستقر در بستر تاریخی خاصی شکل گرفته و متضمن ساختارهای سلطه و سرکوب است که باید از قید و بندهای دست و پا گیر آن رهایی یافت و این نظام سرکوبگر سلطه پرور را باید برانداخت و نظم و نسق نوینی را در انداخت. از این رو، در طول ۴۰ سال گذشته، بخش عظیمی از نیرو و توان دیپلماتیک ایران صرف مقابله با نظام سلطه و قدرت‌های سلطه‌گر شده است. با وجود اینکه در دوره‌های مختلف سیاست خارجی، ابزار و ساز و کارهای متفاوتی برای سلطه‌ستیزی به کار گرفته شده ولی همواره در مورد لزوم و ضرورت آن اتفاق نظر وجود داشته است.

مقابله با سیاست‌های آمریکا و مخالفت با هژمونی آن در قالب نظام تک قطبی هژمونیک، تلاش برای تشکیل جبهه سلطه‌ستیزان در عرصه بین‌المللی از طریق وحدت جهان اسلام و جهان سوم، آمریکای لاتین‌گرایی، حمایت از مستضعفان، انتقاد از سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و تلاش یک و چندجانبه برای اصلاح آن‌ها، نمونه‌هایی از رفتارهای خارجی مبتنی بر عقلانیت انتقادی هستند، چون هدف غایی سیاست خارجی جمهوری اسلامی تشکیل یک نظام بین‌الملل عادلانه و سپس شکل-گیری جامعه جهانی اسلام است. که همه اینها با دیپلماسی ایدئولوژیک امکان‌پذیر است.

۲-۴. عقلانیت ارتباطی

عقلانیت ارتباطی به معنای درک و فهم چگونگی برقراری ارتباط با دیگران و ایجاد تفاهم است. این نوع عقلانیت ناشی از علایق ارتباطی انسان و بازیگران اجتماعی، معطوف به تفاهم، مفاهمه و مبادله بین‌ذهنی بوده و برای فهمیدن است، نه کنترل و تسلط بر دیگران. این گونه عقلانیت در زبان به صورت کنش کلومی متقابل یا کنش ارتباطی تجلی می‌یابد؛ هدف آن هم تحقق و توسعه فهم متقابل یا بین‌ذهنی است که کنش ارتباطی بر پایه آن شکل می‌گیرد. از این رو، عقلانیت ارتباطی معلول و محصول مناسبات اجتماعی و تعامل بین‌ذهنی است. در چهارچوب عقلانیت ارتباطی، کنش‌های معطوف به تفاهم بر کنش‌های معطوف به کنترل و استفاده ابزاری از افراد و اشیاء اولویت دارند. (پولادی، ۱۳۸۳، ۵۲)

بنابر این سیاست خارجی نوعی سیاست اقماعی است که در صدد اقناع دیگران از طریق استدلال و احتجاج در چهارچوب اصول، قواعد، هنجارها و ارزش‌های عام و مشترک است. رفتار بر اساس هنجارها و اصول مقبول و مشروع از نظر همگان و توانایی توجیه مستدل و منطقی آن هم یک کنش عقلانی به‌شمار می‌آید. از این رو، در شرایط غلبه و تفوق عقلانیت ارتباطی - استدلالی، جمهوری اسلامی صرفاً در صدد پیشینه ساختن منافع و ارجحیت‌های مادی خود نیست بلکه تلاش م‌کند تا آن‌ها را از منظر موازین و قواعد مقبول و مشروع جامعه جهانی، موجه، منطقی و معتبر سازد. به سخن دیگر، عقلانیت ارتباطی مبتنی بر منطق توجیه ایجاب می‌کند که ایران کنش‌های خود را توجیه کرده و آن‌ها را به طور مستدل توضیح دهد؛ به طوری که دیگر بازیگران بین‌المللی را مجاب و اقناع و سازد. این استدلال ممکن است معطوف به سود و منافع مادی یا مبتنی بر احساس ایران از هویت یا درک آن از شرایط مطلوب باشد. جمهوری اسلامی همچنین می‌تواند تصمیمات و کنش‌های خارجی خود را با ارجاع به آنچه حق، عادلانه و منصفانه هم هست، توجیه کند و توضیح دهد. عقلانیت ارتباطی متضمن استدلال و احتجاج عمومی است تا جمهوری اسلامی بتواند کنش‌ها و سیاست‌های مورد انتقاد را به وسیله توضیح وضعیت مناسب به صورت مشروع، توجیه منطقی کند.

۳. مؤلفه‌های دیپلماسی ایدئولوژیک**۳-۱. عزت و احساس اقتدار در کار دیپلماتیک (عقلانیت اخلاقی)**

«عزت در لغت یعنی شکست ناپذیری و حالتی که مانع مغلوب شدن انسان می‌شود و چون این مفهوم به شکست ناپذیری اشاره دارد، پس در معانی دیگر همچون غلبه،

صعوبت، سختی، غیرت و حمیت نیز استعمال می‌شود.» (راغب اصفهانی، ۳۳۲)

عزت در این معنا با «عزیز شدن» و «گرامی داشته شدن» متناظر می‌شود که درست در جهت مخالف ذلت و خواری است؛

اصل «عزت» در برابر اصل مادی‌گرا و اومانستی «غرور ملی» غرب قرار دارد. (روزنامه کیهان ۱۳۹۱، ۱۲) مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

«ما نمی‌خواهیم عزتمان را با تکیه بر نژاد و ناسیونالیسم و حرف‌هایی که متأسفانه همه دنیا با تکیه به آن‌ها دور خودشان یک حصار می‌کشند، ثابت کنیم. فلان کشور اروپایی ثابت می‌کند که نژاد من برترین است. آن یکی می‌گوید نخیر، نژاد من برترین است ... نه، ما برای خودمان، عزت را براساس اعتقاد و ایمان توحیدی که خاصیت و شاخصه تفکر اسلامی است و دل بستن به خدا و محبت به بندگان و خلائق الهی و لزوم خدمت به آن‌ها قائلیم.» (بیانات در دیدار با مسئولان وزارت خارجه ۱۷-۴-۱۳۷۰)

پس اصل عزت در حاکمیت ارزش‌های اسلامی، عمل به دستورات دین، تقویت هنجارهای اخلاقی و تقوا تحصیل می‌شود. روشن‌ترین تعریف عزت، حفظ شأن و موقعیت جامعه و دولت اسلامی در نظام بین‌الملل است. بر مسلمانان فرض است که در جامعه جهانی به هر طریق ممکن، عزت خود را حفظ نمایند. از خودبیگانگی و مرعوبیتی که نظام استکبار طی قرن‌ها به مسلمانان القا نموده، مهم‌ترین آفت عزت است که حساب شده و از روی برنامه، از سوی غربی‌ها برای مسلمانان طرح-ریزی شده است. از وظایف اصلی ما مسلمانان است که در برابر دشمنان و کفار ذلیل نباشیم. عزت یعنی

«الاسلام یعلو و لایعلی علیه، لن یجعل الله الکافرین علی المؤمنین سبیلاً.» (محمدی، ۱۳۹۱، ۱۲)

مقام معظم رهبری می‌فرماید:

«دیپلمات ایرانی باید به انقلاب افتخار کند و در تعاملات کاری او، «عزت، احساس اقتدار و اعتماد به نفس» به روشنی مشاهده شود که البته این رفتار و منش انقلابی با بیان حرف‌های نامعقول و ایجاد هیاهو کاملاً متفاوت است.» (بیانات در دیدار کاگزاران وزارت خارجه ۳۰-۴-۹۷)

عملکرد و پیشینه‌ی سیاست خارجی ایران در دوره‌های مختلف حاکی از غلبه عقلانیت اخلاقی بر

منطق نتیجه است. برای نمونه سیاست بی‌طرفی فعال در جریان بحران افغانستان بر پایه اقتضائات هویت اسلامی اتخاذ شد. مهم‌تر از آن، حمایت و پشتیبانی جمهوری اسلامی از حقوق حقه مردم فلسطین یا همه مسلمانان است؛ سیاستی که که بیش از آن که در قالب عقلانیت ابزاری و منطق نتیجه بگنجد، در چهارچوب عقلانیت اخلاقی و منطق تناسب مبنی بر عمل به تکلیف توجیه پذیر است زیرا ارزش‌ها و موازین اخلاقی و اسلامی حکم می‌کنند که جمهوری اسلامی در جهت حمایت از مردم فلسطین اقدام کند؛ حتی اگر منافع مادی ملموسی در بر نداشته باشد.

۳-۲. احساس حقانیت و تسلط در مباحث چالشی (عقلانیت اخلاقی)

امروز یکی از شواهد و دلایل حقانیت و مردمی بودن انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی همین مخالفت‌های قدرت‌های بزرگ است و به همین دلیل که تحلیل‌گران غربی و شرقی می‌کوشند چهره انقلاب اسلامی را تاریک و نظام را غیر موفق معرفی نمایند. معلوم است که انقلاب، مردمی و موفق بوده و آن‌ها برای اینکه جلو نفوذ آن را بگیرند باین طرفدها چنگ زده و با بافتن این نوع مطالب سدها و موانعی را در سر راه این حرکت عظیم مردمی ایجاد می‌نمایند. هرچه اینها مخالفت کنند ما باید بر صلابت و قاطعیت انقلابیمان بیفزاییم لذا این نیاز به دیپلماسی ایدئولوژیک دارد درمیان رابطه مقام معظم رهبری می‌فرماید:

«در شرایطی که متهم کردن دائم ایران به یک مسئله‌ی منفی در دستور کار اصلی جنگ روانی دشمنان انقلاب اسلامی قرار گرفته و برای تحقق این هدف،» ایران هراسی، ایران ستیزی، ایران‌گریزی، اتهام نقض دموکراسی، نبود آزادی و نقض حقوق بشر» مدام در تبلیغات بیگانگان تکرار می‌شود، دیپلمات ایرانی باید با احساس حقانیت و با آگاهی و تسلط در مباحث چالشی، پاسخ‌های قاطع و منطقی به اتهامات بیگانگان بدهد.» (بیانات در دیدار با کارگزاران وزارت خارجه ۳۰-۴-۹۷)

۳-۳. روحیه‌ی صحیح انقلابی و دیپلماسی هوشمندانه

حضرت آیت الله خامنه‌ای تأمین و حفظ منافع ملی به معنای حقیقی را هدف اصلی سیاست خارجی خواندند و با بیان بایدها و نبایدهای دیپلماسی در نظام اسلامی، افزودند .

«می‌توان با روحیه‌ی صحیح انقلابی و دیپلماسی هوشمندانه و هدفمند، روابط خارجی را گسترش داد و عناصر قدرت نظام را به پشتوانه‌ای برای دستاوردهای سیاسی و دیپلماسی تبدیل کرد. مهم این است که هرگونه عنصر اقتدار به نوعی به دستاورد

سیاسی و اقتصادی تبدیل شود» (بیانات در دیدار با کارگزاران وزارت خارجه ۳۰-۴-۹۷)

حضرت آیت الله خامنه‌ای، منافع ملی را برگرفته از سیاست‌های اصلی و ارزش‌های نظام دانستند و تأکید کردند: دستگاه دیپلماسی باید منافع ملی را حفظ و تأمین کند. از این رو، منافع ملی به عنوان شاکله سیاست خارجی می‌تواند عرصه‌های سیاسی - امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به هم پیوند داده و با ایجاد درک مشترک میان کشورها، همکاری‌ها را گسترش دهد

۳-۴. بی‌اعتمادی به نظام سلطه (عقلانیت انتقادی)

مقام معظم رهبری در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش جمهوری اسلامی ایران فرمودند: «ما به امریکایی‌ها بدبینیم و هیچ اعتمادی به آنان نداریم، دولت آمریکا غیرقابل اعتماد و خودبرتربین و غیرمنطقی و عهدشکن است...» (۲۲-۷-۹۲)

امریکایی‌ها در چهل سال گذشته به طرق مختلف چه طراحی کودتا، حمایت از صدام در جنگ تحمیلی، سنگ اندازی در مسئله هسته‌ای و ... بی‌اعتمادی خود را نشان داده است و آموزه‌های دین اسلام مذاکره با دشمن را در حالت عزت می‌پذیرد و این از ملانی ایدئولوژیک است.

رهبر معظم انقلاب در این رابطه فرمودند: «بنده از قدیم این نکته را خاطر نشان می‌کردم که روی حرف و حتی امضای امریکایی‌ها نمی‌توان حساب کرد، بنابراین مذاکره با آمریکا هیچ فایده‌ای ندارد. آمریکا با اصل نظام اسلامی مشکل اساسی و مبنایی دارد، ضمن اینکه کشورهای فراوانی در آفریقا، آسیا و امریکای لاتین هستند که با آمریکا رابطه دارند اما همچنان با مشکلات فراوان دست به گریبانند. امریکایی‌ها به دنبال بازگشت به موقعیت و جایگاه خود در ایران قبل از انقلاب هستند و به کمتر از این هم راضی نخواهند شد.» (بیانات در دیدار با کارگزاران وزارت خارجه ۳۰-۴-۹۷). بر اساس عقلانیت انتقادی، جمهوری اسلامی به نقد نظم بین‌المللی مستقر و نظام بین‌الملل موجود، جهت استقرار نظم و نظام بین‌الملل مطلوب می‌پردازد. تأمین این هدف مستلزم واسازی و شالوده‌شکنی نظم و نظام موجود به معنای مشروعیت زدایی از آن، از طریق غیر طبیعی کردن آن است؛ آشکار ساختن اینکه نظم بین‌المللی مستقر در بستر تاریخی خاصی شکل گرفته و متضمن ساختارهای سلطه و سرکوب است که باید از قید و بندهای دست و پا گیر آن رهایی یافت و این نظام سرکوبگر سلطه پرور را باید برانداخت و نظم و نسق نوینی را در انداخت.

۳-۵. پایبندی رفتاری و گفتاری به مسائل شرعی و ارزش‌های انقلابی

در راستای نظریه اسلامی روابط بین الملل، «دولت اسلامی» به عنوان کلیدواژه‌ای جدید در علم سیاست مطرح می‌گردد. دولت اسلامی همچون دیگر دولت‌ها بر شالوده عناصر و ارکان چهارگانه‌ی سرزمین، حاکمیت، حکومت و جمعیت بنا می‌گردد؛ اما وصف «اسلامی» آن مفهومی متمایز را از دیگر دولت‌ها به همراه می‌آورد. (حقیقت، ۱۳۸۵: ۱۳) به همین جهت امام خمینی (ره) برای تبیین صفت اسلامی، بیان می‌دارند که حکومت اسلامی حکومتی است بر پایه قوانین اسلامی ... یعنی محتوای آن فرم (جمهوری)، قوانین الهی است. (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۱۵۷) لذا در تعریفی از دولت اسلامی، آن را دولتی می‌دانند که نه‌تنها ارزش‌های حاکم بر زندگی سیاسی و نیز شرایط رهبران و فرمانروایان آن از جانب دین تعیین و تعریف می‌شود، بلکه حتی شیوه استقرار حاکم در رأس هرم دولت و به‌طور کلی نظام سیاسی و روش‌های مدیریت امور عمومی جامعه نیز به‌وسیله دین بیان می‌گردد. (فیرحی، ۱۳۸۲: ۲۱-۲۳) بدیهی است که دولت اسلامی هم از بعد نظری و هم در بعد عملی و در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی تجلی و به وسیله ملت ایران تحقق یافته است. لذا در جمهوری اسلامی برآمده از انقلاب اسلامی، عناصر چهارگانه دولت ملی با ایمان و ارزش‌های اسلامی پیوند برقرار می‌نمایند. از این رو ورود جمهوری اسلامی ایران به عرصه سیاست خارجی در عین اینکه از مسائلی سرزمینی و ابعاد قدرت و منافع ملی ایران متأثر است، به‌واسطه گفتمان انقلاب اسلامی، در راستای رویکرد کلان اسلام به روابط بین الملل نیز قرار می‌گیرد. به همین دلیل، دولت اسلامی نمی‌تواند همچون دولت‌های سکولار تنها منافع ملی خود را معیار عملکرد سیاست خارجی‌اش قرار دهد. لذا مقام معظم رهبری دیپلماسی ایدئولوژی رادر شرایط فعلی راهکار صدور ارزش‌ها می‌داند. و می‌فرماید:

«حفظ سلامت دینی و طهارت روحی و معنوی خود و خانواده و پایبندی رفتاری و گفتاری به مسائل شرعی از مهم‌ترین وظایف مسئولان و کارکنان وزارت امور خارجه به ویژه سفرا و اعضای نمایندگی‌های ایران در خارج است. دستگاه دیپلماسی، بخش اصلی سیاست خارجی کشور و نمای بیرونی نظام جمهوری اسلامی است. وزارت امور خارجه و به ویژه سفرا باید عمیقاً به ارزش‌های اسلام و انقلاب پایبند باشند و رفتار و گفتار آنان، منعکس کننده‌ی این ارزش‌ها باشد» (بیانات در دیدار کارگزاران وزارت خارجه ۳۰-۴-۹۷)



مبانی ایدئولوژیک سیاست خارجی براساس نظریه عقلانیت

۴. الزامات دیپلماسی ایدئولوژیک

۴-۱. فعال کردن ظرفیت‌های استفاده نشده یا کم استفاده شده در کشور

«مزیت‌های جغرافیایی» و «منابع طبیعی ارزشمند» از جمله وسعت سرزمینی، همجواری آب‌های آزاد، همسایگی با ۱۵ کشور و قرار داشتن در نقطه اتصال شرق به غرب و شمال به جنوب داشتن جمعیت جوان و ... ظرفیت‌هایی هستند که می‌توانند در شرایط کنونی از طریق دیپلماسی مشکلات کشور را به وسیله آن‌ها برطرف نمود

در همین رابطه رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «ایران عزیز از لحاظ مجموع منابع نفت و گاز در دنیا اول است، البته اکنون این منابع بدون ارزش افزوده به خارج فروخته می‌شود اما این حجم از منابع امکان مهمی است و دشمنان نیز به همین دلیل همواره به دنبال تسلط بر ایران هستند.» (بیانات در اجتماع زائران حرم امام رضا (ع) ۱-۱-۹۷)

تأکید کردند: اگر این ظرفیت‌های فراوان با ابتکار و حضور جوانان و مدیران فعال و کوشا در عرصه همراه شود، اقتصاد ایران جزء ۱۲ اقتصاد اول پیشرفته دنیا خواهد شد.» (بیانات در اجتماع زائران حرم امام رضا (ع) ۱-۱-۹۷)

همچمین می‌فرماید:

«فعال کردن ظرفیت‌های استفاده نشده یا کم استفاده شده در کشور مهم است. مذاکرات با اروپایی‌ها قطع نشود اما نباید معطل بسته‌ی اروپایی ماند بلکه باید کارهای فراوان لازم در داخل کشور را دنبال کرد.» (بیانات در دیدار کارگزاران وزارت خارجه ۳۰-۴-۹۷)

۴-۲. گسترش ارتباطات چندجانبه و به ویژه دوجانبه و توجه خاص به تشکلهای منطقه‌ای (عقلانیت ارتباطی)،

عقلانیت ارتباطی معلول و محصول مناسبات اجتماعی و تعامل بین‌ذهنی است. در چهارچوب عقلانیت ارتباطی، کنش‌های معطوف به تفاهم بر کنش‌های معطوف به کنترل و استفاده ابزاری از افراد و اشیاء اولویت دارند. برای اساس سفر و نمایندگان ایران در خارج باید به ظرفیت‌ها و توانایی‌های ملت و کشور کاملاً واقف باشند و بر اساس اصول عزت و حکمت اقدام به گسترش ارتباط با کشورها کنند، و در این بین می‌توان اذعان کرد گسترش روابط به همسایگان باید در اولویت قرار بگیرد. ایران اسلامی از جمله کشورهای منحصر به فرد است که با ۱۵ کشور مرز زمینی و دریایی دارد، لذا نباید فراموش کرد که گسترش روابط با همسایگان در حوزه‌هایی مانند توسعه اقتصادی، امنیتی، سیاسی و غیره تاثیر بسیار دارد. مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرماید:

«سفر و نمایندگان ایران در خارج باید به ظرفیت‌ها و توانایی‌های ملت و کشور کاملاً واقف باشند و برای ارتباط دو یا چند جانبه با کشورها تلاش زیادی کنند.» (بیانات در دیدار با کارگزاران وزارت خارجه ۳۰-۴-۹۷)

۴-۳. توجه به ظرفیت‌های داخلی و استعداد بالای ملت ایران و می‌فرماید:

«از چندین سال قبل تأکید می‌کردم که استعداد ایرانی از متوسط استعداد دنیا بالاتر است، این واقعیت یک ظرفیت مهم داخلی است، همچنان‌که ایمان، شجاعت، ایثار و افتخار ملت به ارزش‌ها از دیگر عناصر توانایی‌های ایران است.» (بیانات در دیدار با کارگزاران وزارت خارجه ۳۰-۴-۹۷)

۴-۴. گسترش سیاست خارجی از طریق ارتباط با فعالان غیردولتی

امروزه دیپلماسی کشورها بدنبال گسترش ارتباط با نهادهای غیردولتی هستند و این می‌تواند هم

برعزت یک کشور تاثیرگذار باشد و هک به شناسایی کشور مبدأ و مقصد کمک کند و از طرفی باعث سرمایه گذاری خارجی می گردد در همین رابطه رهبر معظم انقلاب می فرماید:

«ارتباط با دانشمندان، رجال سیاسی غیر دولتی و فعالان اقتصادی دیگر کشورها جزو روش‌های رایج دیپلماسی در جهان است و با این روش‌ها می‌توان گستره‌ی فعالیت‌های دستگاه سیاست خارجی را گسترش داد.» (بیانات در دیدار با کارگزاران وزارت خارجه ۳۰-۴-۹۷)

۴-۵. پیگیری مواضع انقلابی مسئولان نظام

پایندی به مبانی انقلاب اسلامی یکی از موضوعات مهمی است که یک فرد انقلابی باید به آن اعتقاد داشته باشد و علاوه بر اعتقاد، در ترویج و نشر آن هم نقش داشته باشد. و در همه زمان‌ها نسبت به آن ساکت و بی تفاوت نباشد، بلکه فعال و نسبت به آینده آن مشارکت داشته باشد. این موضوعی است که مقام معظم رهبری بر آن تأکید دارند، و می‌فرمایند:

«اصول انقلاب، جهت‌گیری‌های فکری، شاخص‌های اصلی و شعارهای بنیادین انقلاب را مشخص می‌کند. این اصول سلیقه‌ای نیست و از اسلام، قانون اساسی، رهنمودها و وصیت نامه امام خمینی اخذ می‌شود» (KAMENAEI.IR ۱۳۸۸/۶/۲۰)

۴-۶. تامین منافع ملی با روحیه قوی و امید به آینده

ارزش‌ها و عناصر تشکیل دهنده منافع ملی جمهوری اسلامی رامی‌توان از نظر ماهوی در قالب چهار دسته تقسیم و طبقه‌بندی کرد: منافع ملی یا امنیتی، منافع معطوف به نظم جهانی، منافع ایدئولوژیک و منافع اقتصادی یار فاهی (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱، ۱۴۳) لذا این منافع نیاز به دستگاه دیپلماسی انقلابی و دلسوز می‌خواهد رهبر معظم انقلاب می‌فرماید:

«دستگاه دیپلماسی باید با برخورداری از روحیه‌ی قوی و مستحکم، امید به آینده و بهره‌مندی از احساس حقانیت، منافع ملی را حفظ و تأمین کند» (بیانات در دیدار با کارگزاران وزارت خارجه ۳۰-۴-۹۷)

۵- رابطه منافع ملی و سیاست ایدئولوژیک در سیاست خارجی

درباره چگونگی ارتباط منافع ملی و ضرورت‌های ایدئولوژیک در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران رویکردهای مختلفی وجود دارد. برخی از نظریه‌پردازان تلاش دارند تا منافع ملی و ایدئولوژیک

را از یکدیگر تفکیک کنند. در حالی که واقعیت‌های سیاست و امنیت بین الملل ایجاب می‌کند که هر کشوری بتواند مطلوبیت‌های خود را در فضای کنش درهم‌تنیده ایدئوژنی، امنیت، قدرت ملی و منافع ملی پیوند دهد. چنین شرایطی به عنوان ویژگی‌های بنیادین سیاست خارجی انقلابی در جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

سیاست خارجی انقلابی دارای نشانه‌هایی از کنشگری نهادهای راهبردی و دیپلماتیک خواهد بود. هر یک از نهادهای یادشده بخش خاصی از حوزه‌های منافع و امنیت ملی ایران را تأمین خواهند ساخت. در چنین شرایطی این موضوع مطرح می‌شود که چه رابطه‌ای بین منافع ملی و نشانه‌های ایدئولوژیک در سیاست خارجی ایران وجود دارد؟ واقعیت‌های کنش رفتاری کشورها معطوف به این موضوع است که هر یک از دو نشانه یادشده می‌تواند نقش هم تکمیلی با دیگری داشته باشد.

۵-۱. همبستگی منافع ملی و ایدئولوژی در روند قدرت‌سازی

منافع ملی و نشانه‌های ایدئولوژیک دارای قالب‌های درهم‌تنیده‌ای برای بقاء و امنیت ملی کشورها خواهد بود. جمهوری اسلامی ایران نیز از چنین نشانه‌هایی برای حداکثرسازی موقعیت خود در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی بهره خواهد گرفت. دگرگونی‌های محیط منطقه‌ای و بین‌المللی بعد از به قدرت رسیدن ترامپ، امکان تحرک و نقش‌یابی بیشتر ایران در سیاست بین‌الملل را به وجود می‌آورد. مقابله با چنین فرآیندهایی نیازمند همبسته‌سازی حوزه‌های ایدئولوژیک و ضرورت‌های منافع ملی خواهد بود.

ظهور هر پدیده مخربی همانند ترامپ می‌تواند به همانگونه‌ای که تهدید باشد، فرصت نیز باشد چنین وضعیتی توانسته زمینه همکاری‌های مؤثر و سازنده ایران با سایر کشورهای منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ را امکان‌پذیر و اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. تحقق چنین اهدافی نیازمند آن است که سیاست خارجی از پویایی راهبردی برخوردار باشد. تغییر در موازنه قدرت و معادله کنش ژئوپلیتیکی کشورها، ضرورت ابتکار عمل را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. سیاست خارجی هر کشوری نیازمند پویایی‌های راهبردی خواهد بود. بنابراین نهادینه شدن گفتمان و روحیه‌ی انقلابیگری با خنثی کردن توطئه‌ی دشمن منجر به حل مشکلات کشور شده و در نهایت برای کشور و ملت «تولید قدرت» در همه زمینه‌ها می‌کند:

«شخصیت افراد، ایستادگی، هویت، هویت انقلابی؛ اینها است که قدرت می‌سازد.» (بیانات

در دیدار معلمان و فرهنگیان ۱۳۹۵/۲/۱۳).

اگر ایران در فضای تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی بتواند راهکارهای جدید را پیدا کند، طبعاً به نتایج و مطلوبیت‌های مؤثرتری نائل خواهد شد. یکی از سازوکارهای سیاست خارجی کشورها را ائتلاف‌سازی و همکاری‌های فراگیر راهبردی تشکیل می‌دهد. تحقق چنین اهدافی از طریق پیوند حوزه منافع ملی و قالب‌های ایدئولوژیک حاصل می‌شود. ائتلاف‌سازی بخشی از حوزه‌های پیوند امنیت، قدرت و کنش تاکتیکی کشورها برای حداکثرسازی امنیت ملی در پناه قالب‌های بنیادینی همانند منافع ملی و شکل‌بندی‌های ایدئولوژیک است.

۵-۲. منافع ملی و ایدئولوژیک در سیاست خارجی سازنده

ضرورت‌های سیاست خارجی سازنده ایجاب می‌کند که همبستگی درون ساختاری در حوزه‌های مفهومی و کارکردی به وجود آید. سیاست خارجی مؤثر و سازنده نیازمند بهره‌گیری از «سیاست قدرت» خواهد بود. سیاست قدرت بدون پیوند منافع ملی و مفاهیم ایدئولوژیک حاصل نخواهد شد. بی‌توجهی نسبت به سیاست قدرت چالش‌های بیشتری برای سیاست خارجی ایران ایجاد می‌کند. واقعیت آن است که انجام چنین همکاری‌هایی تابعی از شرایط زمانی و شکل‌بندی‌های ژئوپلیتیکی خواهد بود.

معادله قدرت هیچ‌گاه در حوزه سیاست بین‌الملل ماهیت ثابت نداشته است. بنابراین کشورهایی همانند ایران باید بدانند که از قالب‌های سنتی و ساختاری گذشته باید عبور کنند. هم‌اکنون شکل جدیدی از قالب‌های ساختاری در نظام و سیاست بین‌الملل ظهور یافته است. دشمن هیچ‌گاه نهادهای مختلف سیاست خارجی و امنیت ملی کشورها را از یکدیگر تفکیک نمی‌کند. تمامی نهادها «کل یکپارچه سیاست خارجی» را شکل می‌دهند. دشمن با چنین کلیتی در تعارض است. براین اساس رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌فرماید:

«تعیین دقیق و صریح هدف‌ها از شروط و لوازم یک دیپلماسی موفق است. برخی اهداف آرمان‌های بزرگ و ملی هستند، برخی راهبردی و منطقه‌ای به‌شمار می‌روند و بعضی دیگر مقطعی و موضعی هستند که این اهداف در همه‌ی سطوح باید دقیقاً مشخص باشد تا همه‌ی عناصر فعال در دیپلماسی در ستاد و صف، وظایف خود را به خوبی بدانند.» (۲۲/۰۵/۱۳۹۳)

هرگاه بین چنین نهادهایی شکاف ایجاد شود، زمینه برای حضور و نقش‌یابی دشمن در این شکاف‌ها به وجود می‌آید. البته اختلاف نظر موضوع طبیعی است. کار کارشناسی عموماً براساس

تفاوت‌های ادراکی کارگزاران انجام می‌گیرد. عناصر قدرت ملی در جمهوری اسلامی ایران تابعی از مؤلفه‌های سخت افزاری و نرم افزاری است. منافع ملی و قالب‌های ایدئولوژیک براساس مؤلفه‌های قدرت ملی تعریف می‌شود. تحرک ژئوپلیتیکی می‌تواند زمینه‌های لازم برای ارتقاء قدرت ملی ایران را به وجود آورد. معظم له که

«برخی به‌غلط، سخن از لزوم جدایی دیپلماسی از ایدئولوژی به میان می‌آوردند، در حالی که دیپلماسی ایدئولوژیک هیچ اشکالی ندارد و القاء تقابل میان ایدئولوژی و منافع ملی، صحیح و منطقی نیست؛ هدف از تشکیل جمهوری اسلامی حفظ منافع ملی، استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی، قدرت و امنیت ملی است و ایدئولوژی به دنبال تأمین و حفظ منافع ملی است و هویت ملت محسوب است»، (بیانات در دیدار با کارگزاران وزارت خارجه ۳۰-۴-۹۷)

از نص صریح قرآن کریم استنتاج شده و به آیه نفی سبیل «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (سوره نساء، ۱۱۴) مبنی بر نفی هرگونه سلطه کافران بر مسلمانان مستظهر است. هرگاه سیاست خارجی ایران در وضعیت تدافعی قرار گیرد در آن شرایط امکان تحقق اهداف سیاسی با دشواری‌هایی همراه خواهد شد. بسیاری از نشانه‌های موفقیت و ناکامی در سیاست خارجی ماهیت مرحله‌ای دارد. اگر کشوری بتواند به قاعده کشش الهی یعنی آرمان‌ها، اعتقادات، اراده و ایمان که تشکیل دهنده عناصر معنوی قدرت ملی است اتکاء داشته باشد، در آن شرایط قادر خواهد بود تا به نتایج و مطلوبیت‌های بیشتری در سیاست خارجی نایل گردد.

۳-۵. بهینه‌سازی منافع ملی در فضای همبستگی ایدئولوژیک

هیچ موضوع خنثی در حوزه دیپلماتیک، دفاع، امنیت و موضوعات راهبردی وجود ندارد. منافع ملی و ایدئولوژیک نقش هم‌تکمیلی برای ارتقاء قابلیت‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت. به هر میزان زیربنای دیپلماتیک ما قوی‌تر باشد، به هر میزان از تضمین‌های عملی بیشتری بهره‌مند شویم، موفقیت فراگیرتری خواهیم داشت. مسئله ما آن نیست که برخی از کشورها با ما همدردی نکنند یا نکنند. مسئله اصلی کشور ما آن است که امکان تحقق اهداف را داشته باشیم. در غیراین صورت سایر کشورها منافع و مطلوبیت‌های خود را بر ما تحمیل خواهند کرد.

سیاست خارجی انقلابی به معنای بهره‌گیری از ظرفیت‌های نهفته اقتصاد و سیاست جهانی است. قدرت‌های بزرگ بیش از کشورهای منطقه‌ای از سازوکارهای محدودکننده حقوق بین‌الملل استفاده

می‌کنند. خروج آمریکا از کمیته سوم حقوق بشر مجمع حقوقی سازمان ملل هیچ‌گاه با واکنش فراگیر و گسترده روبه‌رو نشد. دستگاه دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران باید بتواند از قدرت حقوقی و دیپلماتیک خود برای ارتقاء موقعیت ایران در سیاست جهانی استفاده کند. نباید تمام هزینه‌های سیاست خارجی را نهادهای راهبردی پرداخت کنند.

۴-۵. جهانگرایی انقلابی، منافع ملی و هویت‌گرایی

یکی از ویژگی‌های اصلی عصر جدید را می‌توان در نشانه‌هایی از جهانگرایی انقلابی جست‌وجو نمود. جهانگرایی انقلابی مبتنی بر نشانه‌هایی از هویت‌گرایی خواهد بود. سیاست خارجی ایران در چنین عصری می‌بایست روندهای آینده سیاست جهانی را درک کند. آنچه که در سال‌های گذشته از آن به عنوان آینده پژوهی نام برده می‌شود و یا نهادهایی که مرکز سنجش روندهای بین‌المللی هستند، مسیرهای حرکت بازیگران را نشان می‌دهند. ضرورت‌های ارتقاء قابلیت نهادی دستگاه دیپلماتیک را باید در پیش‌بینی‌پذیری حوادث دانست.

اگر چنین روندهایی پیش‌بینی می‌شد، شاید تحریم‌های مجدد اقتصادی علیه ایران اعمال نمی‌شد. چنین وضعیتی را باید به عنوان واقعیت سیاست جهانی دانست. الگوی رفتار بازیگرانی همانند آمریکا معطوف به سلطه بوده و خواهد بود. کسب جایگاه محور مقاومت در سیاست منطقه‌ای به این دلیل اهمیت دارد که ایران توانست الگوی جدیدی از رفتار سیاسی و بین‌المللی را در راستای مقابله با هژمونیک‌گرایی آمریکا در دستور کار قرار دهد. چنین فرایندی منجر به ائتلاف ایران و روسیه برای مقابله با برخی از الگوهای راهبردی کشورهای محافظه‌کار و جهان غرب می‌باشد. این دیپلماسی با تحرکی را می‌طلبد لذا می‌فرماید:

«تحرک فراوان و بی‌وقفه شرط دیگر دیپلماسی موفق است. تحرک بالا لازمه‌ی لاینفک دیپلماسی است و باید مورد توجه جدی قرار داشته باشد». (۱۳۹۳/۰۵/۲۲)

«ما هر چه در زمینه‌ی دیپلماسی تحرکمان بیشتر باشد، بهتر است. این سفرهای خارجی، ملاقات‌های خوب و گفتگوهای تلفنی، همه‌اش کارهای لازم امروز ماست؛ هر چه حجم و کیفیت اینها را بالا ببرید، بهتر است. مسئله‌ی دیپلماسی مهم است.» (۱۳۸۵/۰۶/۰۶)

هیچ کشوری را نمی‌توان برای دفاع از خود منع نمود. چنین فرآیندی براساس پیوند مؤلفه‌های ایدئولوژیک و منافع ملی حاصل شده است. براساس ضرورت‌های امنیت‌ساز، چنین پیوندی ماهیت ضروری و اجتناب‌ناپذیر پیدا می‌کند. قدرت ایران مبتنی بر مشارکت با کشورهای منطقه‌ای است.

قدرت ایران مبتنی بر نقش همکاری جویانه مردم و دولت خواهد بود. یکی از مبنای اصلی مشروعیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی را مردم تشکیل می‌دهند. همکاری با مردم و کشورهای منطقه همانند همبستگی درونی نظام سیاسی، نقش ساختاری جمهوری اسلامی را ارتقاء خواهد داد.

نتیجه

ایران نیازمند سیاست خارجی انقلابی است. برخی به این موضوع اشاره دارند که باید «سیکل قدرت» در اندیشه راهبردی ایران تغییر یابد. گذار از اندیشه و راهبرد کنش انقلابی به منزله «تجدیدنظرطلبی» تلقی می‌شود. کشورهایی که از آموزه‌های تجدیدنظرطلبانه استفاده کردند، ساختار سیاسی و جامعه خود را بدون آنکه به نتایجی نایل شوند در معرض تهدید و فشارهای فزاینده قرار دادند. سیاست خارجی انقلابی باید در دستگاه دیپلماتیک و همچنین سایر نهادهای سیاسی، مطالعاتی و راهبردی مورد توجه و حمایت قرار گیرد.

سیاست خارجی انقلابی به معنای نادیده گرفتن اصول و قواعد راهبردی نخواهد بود. بهره‌گیری از ظرفیت راهبردی جمهوری اسلامی، زیرساخت‌های لازم برای کنش انقلابی را به وجود می‌آورد. انفعال و تردید حاصل بی‌اثر دانستن الگوهای انقلابی در سیاست خارجی خواهد بود. باید به این موضوع توجه داشت که هزینه‌های تجدید نظر طلبی ماهیت راهبردی و تاریخی دارد. هر کشوری که در روند تجدید نظرطلبی قرار گرفت عموماً با چالش‌ها و مشکلات فزاینده‌ای در آینده روبرو شد.

سیاست خارجی انقلابی به معنای بهره‌گیری از تمامی قدرت برای مقابله با تهدیداتی است که امنیت ملی ایران و همچنین امنیت منطقه‌ای را با تهدید روبه‌رو می‌سازد. حوزه دیپلماتیک جمهوری اسلامی باید به فکر راهکارهایی باشد که اهداف راهبردی آن را از طریق سازوکارهای حقوقی و نهادهای بین‌المللی تأمین کند. برای تحقق چنین اهدافی، لازم است تا در الگوهای رفتار دیپلماتیک بازنگری شود. الگوی رفتار انقلابی به معنای دارا بودن طرح و برنامه برای تحقق اهداف ملی خواهد بود. در چنین شرایطی دستگاه دیپلماتیک نیازمند بهره‌گیری از ظرفیت سایر دستگاه‌ها بوده و نیازمند مشارکت فراسازمانی خواهد بود.

فهرست منابع

۱. آلیسون، گراهام (۱۳۶۴)، *شیوه‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی*، ترجمه منوچهر شجاعی،

نشر علمی فرهنگی

۲. ایزدی، بیژن (۱۳۷۱)، **سیاست خارجی ج.ا.ا.**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۳. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با زائران حرم امام رضا ع ۱-۱-۱۳۹۷
۴. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با کارگزاران نظام ۲۰-۶-۱۳۸۸
۵. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با کارگزاران وزارت خارجه ۱۸-۴-۱۳۷۱
۶. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با کارگزاران وزارت خارجه ۱۹-۴-۱۳۷۰
۷. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با کارگزاران وزارت خارجه ۱۹-۸-۱۳۹۳
۸. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با کارگزاران وزارت خارجه ۶-۶-۱۳۸۵
۹. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با کارگزاران وزارت خارجه ۹-۱۱-۱۳۶۸
۱۰. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با کارگزاران وزارت خارجه ۳۰-۴-۱۳۹۷
۱۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با معلمان ۱۳-۲-۱۳۹۵
۱۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم ۲۲-۵-۱۳۹۳
۱۳. پولادی، کمال (۱۳۸۳)، **تاریخ اندیشه‌های سیاسی غرب در قرن بیستم**، تهران: نشر نی.
۱۴. جهانگیری، سعید و اطهری، سید اسدالله (۱۳۹۷). «بررسی تاثیر موقعیت ژئوپلیتیک ایران بر سیاست خارجی (قبل و بعد از انقلاب اسلامی)»، **فصلنامه راهبرد سیاسی**، ۲(۶)، ۵۵-۷۷.
۱۵. جهانگیری، سعید و گروسی، ناصر (۱۳۹۷). «بررسی و مقایسه سیاست خارجی ایران و ترکیه در مورد تحولات سوریه (ابعاد و رویکردها)»، **فصلنامه راهبرد سیاسی**، ۲(۷)، ۳۱-۴۷.
۱۶. حقیقت، سیدصادق (۱۳۸۵)، **اهداف و اصول سیاست خارجی دولت اسلام (قم): پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی**.
۱۷. ذولفقاری، مهدی و دشتی، فرزانه (۱۳۹۷)، «مؤلفه‌ها و ظرفیت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی فرهنگی»، **فصلنامه مطالعات قدرت نرم**، ۸(شماره ۲)، ۱۲۷-۱۵۴.
۱۸. ستوده، محمد (۱۳۸۶)، **تحولات نظام بین الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی**، بوستان کتاب
۱۹. سیف زاده، سیدحسین (۱۳۷۶)، **نظریه پردازی در روابط بین الملل مبانی و قالب‌های فکری**، تهران: سمت.
۲۰. شیخ الاسلامی، محمدحسن؛ رحیمی، مختار و قاسمی فرد، علی (۱۳۹۶). «فضای گفتمانی، آرمان ایرانی و حاکمیت آن بر گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه».

فصلنامه راهبرد سیاسی، (۱)، ۱-۲۰.

۲۱. فیرحی، داود (۱۳۸۲)، **نظام سیاسی و دولت در اسلام**، تهران، سمت.
۲۲. قربانی نژاد، ریاز؛ حافظنیا، محمدرضا؛ احمدی پور، زهرا و قوام، عبدالعلی (۱۳۹۶). «تیین سرچشمه‌های جغرافیای سیاسی تنش و منازعه عراق علیه ایران براساس الگوی های پوتیتکا»، **فصلنامه مطالعات دفاع مقدس**، دوره ۳، شماره ۴، صص ۱-۲۹.
۲۳. قوام، عبدالعلی (۱۳۷۲)، **اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل**، سمت.
۲۴. مانهایم، کارل (۱۳۹۲)، **ایدئولوژی واتوپیا مقدمه‌ای بر جامعه شناسی شناخت**، مترجم فریزمجیدی، تهران: سمت
۲۵. متقی، ابراهیم، **خبرگزاری فارس**، ۷-۵-۱۳۹۷
۲۶. محمدی، منوچهر (۱۳۹۱)، **روزنامه کیهان**، ۱۲ شهریور
۲۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، **انسان و ایمان**، تهران: انتشارات صدرا.
۲۸. مورگنتا، هانس جی (۱۳۸۹)، **سیاست میان ملتها**، ترجمه حمیرا مشیرزاده، انتشارات وزارت خارجه.
۲۹. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۸)، **صیحه نور**، ج ۴، عروج
۳۰. همتی، ایرج و صفایی فسخودی، داود، (۱۳۹۳)، **دیپلماسی ایران و قطعنامه ۵۹۸**، انتشارات صفحه جدید، تهران.

31. Cummings, Milton C. (2003), *Cultural Diplomacy and the US Government: a Survey*, Washington D.C.: Center for Arts and Culture.
32. Department of State [Public Notices 4928, 4942] (2004), Federal Register, Vol. 69. No. 248,.
33. Halliday, F. (2005), *the Middle East in International Relations; Power, Politics and Ideology*, Cambridge: Cambridge University Press.
34. Malone, Gifford D. (1988), *Political Advocacy and Cultural Communication: Organizing the Nation's Public Diplomacy*, University Press of America
35. Payne, R.J. (1995), *The Clash with Distance Cultures*, New York: State University Press.
36. r. Mannheim, K. (1971), *the Ideology and Sociological Interpretation of Intellectual Phenomena*, New York: Oxford University